

جو بایدن
جیمی کارتر جدید است؟

تازگی‌ها مقایسه جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۲۳ با جیمی کارتر در سال ۱۹۷۹ مُد شده است. چنان‌که رخداد‌های سال ۱۹۷۹ امید‌های کارتر برای پیروزی در دور دوم انتخابات سال بعد را نابود کرد، تحولات سال ۲۰۲۳ نیز گفته می‌شود عملاً شانس پیروزی بایدن برای دور دوم انتخابات در ماه نوامبر را از بین برده است.

آنچه آشکار است، هم کارتر و هم بایدن با مشکل افزایش تورم روبه‌رو بوده‌اند که برای رای‌دهندگان دلسردکننده است. اما تورم دوران کارتر بسیار بدتر بود. در نوامبر ۱۹۷۹، یک‌سال قبل از انتخابات، تورم قیمت مصرف‌کننده در آمریکا در ۱۲/۶ درصد قرار داشت. در مقابل، در ۱۲ ماهی که به نوامبر ۲۰۲۳ ختم می‌شود، تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده ۳/۱ درصد است. اما کنترل تورم یک مسئولیت سیاسی برای بایدن است، فارغ از اینکه از بحران عمدتاً فاصله داشته‌باشد.

مشکل این دور رئیس‌جمهور به سیاست خارجی هم برمی‌گردد که در کل به‌موضوع ایران برمی‌گردد. در نوامبر ۱۹۷۹، دانشجویان معترض به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند، ۶۶ آمریکایی را به گروگان گرفتند. گروگان‌ها دقایقی بعد از مراسم تحلیف دونالد ریگان در ژانویه ۱۹۸۱ آزاد شدند. شکست تلاش‌های کارتر برای نجات گروگان‌ها در آوریل به زخم باز سیاسی در نزدیکی انتخابات و نمادی از شکست سیاست خارجی تبدیل شد. امروز دولت بایدن به‌طور مشابه باید با اقدامات ایران در سوریه و لبنان دست‌وپنجه نرم کند. ایران از حملات موشکی حزب‌الله به اسرائیل و از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ حمایت می‌کند. گروگان‌های اسیر در دست حماس در غزه اکثر اسرائیلی‌اند به‌همراه عده کمی دومیلتی آمریکایی.

اما ناتوانی دولت بایدن در مهندسی آتش‌بس طولانی‌مدت یا کمک به آزادی اسرا حس مشابهی از ناتوانی را ایجاد می‌کند.

در این میان، شکست نیروهای اوکراینی مورد حمایت آمریکا در بازپس‌گیری اراضی خود در مقابل نیروهای روسی و شکست تحریم‌های آمریکا برای جلوگیری از حمله ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، این احساس را برانگیخته است که سیاست خارجی آمریکا در مرحله اشفنگی قرار دارد.

تمام این‌ها به کاهش محبوبیت بایدن در نظرسنجی‌ها منجر شده که بدتر از میزان محبوبیت کارتر در سال ۱۹۷۹ است. بنابراین، این مقایسه الهام‌برانگیز است؛ حتی اگر یادمان نباشد که بایدن جوان، زمانی که سناتور آمریکا بود، سخنانی را نسبت به انتخابات ۱۹۸۰ مطرح کرد که نسبت به نامزدی کارتر برای حزب دموکرات برای دور دوم شک وشبهه‌هایی دارد.

علاوه بر شباهت‌ها، تفاوت مهمی بین بایدن و کارتر به‌ویژه در جایگاه سیاسی‌شان وجود دارد. کارتر نگران وضعیت روانی مضطرب آمریکایی‌ها و چشم‌انداز کشور بود. سخنرانی کارتر در جولای ۱۹۷۹ که به سخنرانی رخوت شناخته می‌شود، بحران اعتمادبه‌نفس آمریکایی را تقبیح کرد و ابراز تاسف خود را از «تردید فزاینده درباره معنای زندگی خودمان» و «از دست دادن وحدت هدف برای ملت‌مان» ابراز کرد. کارتر در ادامه گفت، آمریکایی‌ها ایمان خود را «نه‌تنها به خود دولت بلکه به توانایی شهروندان برای خدمت به عنوان حاکمان نهایی و شکل‌دهندگان دموکراسی ما» از دست داده‌اند. آشنا نیست؟

این سخنرانی در واقع کاملاً منفی نبود اما اینگونه نشان داده شد، به‌ویژه از سوی ریگان که خود را «جنگجوی شاد» به‌تصویر می‌کشید و در پایان سخنرانی اش در آستانه انتخابات گفت: «من هیچ رخوت ملی ندارم». این یک شرط برنده برای یک پیام خوش‌بینانه بود. در روزهای تیره و تار ۱۹۷۹-۱۹۸۰، رای‌دهندگان آمریکایی اعتماد به‌نفس شاد ریگان را به عقاید سرسخت کارتر ترجیح دادند.

اکنون البته بایدن رئیس‌جمهور فعلی است که خوشبین است و اصرار دارد که آمریکا در مسیر درستی قرار دارد، درحالی‌که رقیب احتمالی، ترامپ مدعی است که آمریکا از ناراحتی عمیقی رنج می‌برد، از مجازات خشمگین است و تهدیدها را در هر مرحله می‌بیند. تاریخ نشان می‌دهد که رای‌دهندگان آمریکایی خوش‌بینی را ترجیح می‌دهند؛ اما همچنین نشان می‌دهد که آنها پر از شگفتی هستند.



جهان‌نگران دوگانه بایدن – ترامپ

بررسی تعهد آمریکا به چندجانبه‌گرایی تغییر اقلیم و تایوان در سال ۲۰۲۴ و تأثیری که نتایج انتخابات ریاست جمهوری بر آنها خواهد گذاشت

عکس: Gettyimages

آمریکا سطحی از بی‌ثباتی و اختلال را ایجاد می‌کند که می‌تواند روی مزایایی که این نهاد برای اعضای خود فراهم می‌کند، به‌شدت کاهش دهد.

▼ تفاوت‌ها در تغییر اقلیم و مسئله تایوان

ترامپ و بایدن همچنین به‌شدت در مورد تغییر اقلیم و درباره مسئله تایوان، طرز فکر متفاوتی دارند؛ جایی که دورنمای یک تغییر سیاست بزرگ به چشم می‌خورد. نگران‌کننده‌تر از آن، در دور دوم دولت ترامپ، تعهد آمریکا به چندجانبه‌گرایی مورد حمله مستقیم قرار می‌گیرد، در اصل و در عمل.

بیش از هفت دهه است که آمریکا پشتیبان اصلی نظم چندجانبه بوده است. اهدافی که این نظم را مبنای داد به‌منظور صلح بیشتر، ثبات بیشتر و رفاه بیشتر بوده است. واشنگتن معتقد است اگر این اهداف کار کنند شانس موفقیت به‌صورت جمعی با شرکا بیشتر می‌شود تا اینکه تنهایی عمل کند. چنان‌که نظم چندجانبه تحت حمایت آمریکا کاستی‌هایی دارد، مجموعه‌ای از اصول و قوانین را در خود جای داده که به پیش‌بینی‌پذیری، شفافیت و اعتماد کمک کرده است.

جهان امروز با مشکلاتی محاصره شده که هیچ کشوری فارغ از اینکه چقدر قدرتمند است، به‌تنهایی نمی‌تواند با آنها دست‌وپنجه نرم کند. جنگ روسیه در اوکراین قدرت و لزوم اتحاد کشورهای غربی را نشان داده است. ویرانگری‌های تغییر اقلیم در بسیاری از کشورهایی رخ می‌دهد که منشأ اصلی آن نیستند. تقریباً تمام راه‌حل‌های موجود به همکاری بین‌المللی نیاز دارند. همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ ثابت کرد که بیماری‌ها همیشه نسبت به واکنش‌هایی که برای مقابله با آنها طراحی شده‌اند، فراگیرتر و جهان‌شمول‌ترند. واکسن سراسری به توسعه بهبودی جهان، کمی کمک کرد. در عوض، کشورهای در حال توسعه را همسو و در عین حال توانایی غرب را برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک‌اش کاهش داد. خطرات مهاجرت مدیریت‌نشده، چه از طریق مرز جنوبی آمریکا و چه مدیترانه، نه‌تنها مشکل بشردوستانه بلکه تهدید وقوع یک بحران سیاسی در اروپا و ایالات متحده را نیز محتمل‌تر می‌کند. نیاز به تلاش چندجانبه جدید برای مدیریت این مشکلات اقتصادی و اجتماعی بحرانی به‌طور فزاینده‌ای ضروری شده است. اما همانطور که نیاز سازمان‌های چندجانبه برای ارائه راه‌حل‌ها افزایش یافته، اما آنها هم در این امر ناتوان بوده‌اند. در نتیجه جهان‌بینی اساسی که زیربنای این رویکرد در سیاست خارجی است، مورد حمله قرار گرفته است.

سال ۲۰۱۶، ترامپ از منتقدان چندجانبه‌گرایی حمایت شدیدی کرد که آن را به ظهور چین مرتبط دانست و اثرات منفی متعاقب جهانی‌شدن را بر طبقه متوسط آمریکا به‌ویژه بیکار شدن کارگران کارخانه‌ها دانست. او

اقتصادی در داخل کشور هم‌زمان با اشتغال‌زایی رقابت‌پذیری فناوری آمریکا افزایش پیدا می‌کند و بخش اساسی این استراتژی گسترده است. در مورد تایوان هم این دو نامزد متفاوت‌اند. ترامپ تهدید کرده که از این جزیره خودمختار دفاع نمی‌کند. بایدن در اظهارات متعددی اعلام کرده تعهدش به دفاع از تایوان قوی‌تر است.

▼ اگر ترامپ بازگردد

اگر ترامپ به ریاست‌جمهوری بازگردد، تبعات آن برای روابط آمریکا و چین شدیدتر خواهد بود. شرکای ایندوپاسیفیک آمریکا و اروپا اثرات آن را احساس می‌کنند و مجبور می‌شوند بین چین و آمریکای گزافه‌گو و اختلال‌گر، انتخاب دردناکی داشته باشند.

در دورانی که قدرت اجرایی رئیس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی رو به افزایش است، خطرات آن هم بیشتر می‌شود. نظارت کنگره به‌ویژه در دورانی که دولت یک‌دست بوده از بین رفته است. این بدان معنی است که آزادی عمل یک رئیس‌جمهوری که عزم راسخی برای تغییر سیاست خارجی ایالات متحده دارد، قابل توجه است. در سال ۲۰۱۸، جیمز گولدگی‌یر و الیزابت ساندرز در فارن افزر درباره آنچه «ریاست‌جمهوری کنترل‌نشده» خواندند، نوشتند و به توانایی ترامپ برای خروج آمریکا از چندین سازمان چندجانبه بزرگ با مخالفت غافلگیرکننده بسیار کم کنگره اشاره کردند.

تاریخ هم دالیلی را برای مکث نشان می‌دهد. انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰ هم نگران‌کننده بود اما دیوان عالی در یکی از پرتعاعت‌ترین تصمیم‌گیری‌های خود برای آینده سیاست خارجی آمریکا، کاخ سفید را به جورج دبلیو بوش اهدا کرد. حملات یازده سپتامبر درچه‌ای از فرصت‌ها را برای رئیس‌جمهور آمریکا باز کرد تا گزینه‌های جسورانه‌ای را انتخاب کند. تصمیم برای حمله به افغانستان غافلگیرکننده نبود اما به‌سختی می‌توان تصور کرد که اگر ال‌گور انتخاب می‌شد، او هم گزینه جنگ با عراق را انتخاب می‌کرد. انتخابات سال ۲۰۲۴ ممکن است حکایتی از انشعاب کاملاً مشابهی در مسیر سیاست خارجی ایالات متحده باشد. مهم‌ترین تفاوت برای جهان ممکن است یکی از شیوه‌ها یا روال دیپلماتیک باشد. در دنیای سیاست خارجی، این موضوع اهمیت بسیاری دارد و احتمالاً بیشتر اروپا را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

بایدن تنها رئیس‌جمهور آمریکا از زمان جنگ سرد است که بیشترین گرایش را به ائتلاف میان کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی دارد. ترامپ در عوض همواره اروپا را متهم می‌کند که پشت عظمت آمریکا مجانی سواری می‌گیرد. ترامپ برای دور دوم تهدید کرده حمایت‌های آمریکا را فوراً قطع و آمریکا را از ناتو خارج می‌کند. حتی اگر این کار را نکند، تهدید روزانه خروج



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

متحدان و شرکای واشنگتن زنگ خطر احتمال بازگشت ترامپ به کاخ سفید را شنیده‌اند و برای رویارویی با جهانی که به قدرت و رهبری آمریکا وابستگی نداشته باشد، آمادگی ندارند. اما اگر مشکلات داخل کشور عمدتاً روی انتخابات تأثیر می‌گذارند، این سوال پیش می‌آید که آیا در سیاست خارجی هم می‌توانند تفاوتی ایجاد کنند یا نه.

برخی از مفسران استدلال می‌کنند که در حوزه سیاست خارجی اهمیتی ندارد کدام‌یک از نامزدهای پیش‌نار امروز انتخاب شوند. طبق این استدلال هر چه باشد، جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده ادامه سیاست‌های ترامپ مبنی بر اعمال سخت‌گیری بر چین را پیش گرفت و حمایت از تولید کالا‌های داخلی با اعمال مالیات بر واردات که هدف بایدن بود، نسخه به‌روزرسانی‌شده دیدگاه جهانی «اول آمریکا»ی ترامپ توصیف شده است. طبق این چشم‌انداز، سیاست آمریکا بازتابی از توافق کلی دوحزبی است: اینکه واشنگتن نیاز دارد اولویت‌های واضحی را تعیین کند که بازتابی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی امروز است. توافقی گسترده‌ای در مورد نیاز برای تعاملات اقتصادی جهانی آمریکا در دنیایی که رقابتی‌تر شده و در مورد رسیدگی به آمریکایی‌هایی که مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، وجود دارد. طبق این استدلال با این حجم از بحران سیاست در آمریکا، بایدن، ترامپ یا هر نامزد دیگری که انتخاب شود، همین رویه را خواهد داشت.

اما دلیلی وجود دارد که باید نسبت به این ادعا‌ها محتاط بود. افرادی که ادعا می‌کنند سیاست‌های بایدن در قبال چین ادامه راه ترامپ است، به‌شدت آن را ساده‌سازی کرده‌اند. شیوه ترامپ گزافه‌گویی، درهم‌برهم و اخلاص‌گر بود و هست. بایدن در مقابل دیپلماسی سطح بالایی را برنامه‌ریزی و مرتب کرده که برای مدیریت تنش‌ها و جلوگیری از وقوع حوادث و سوءتفاهم‌هایی که سهواً به وقوع درگیری منجر می‌شوند، طراحی شده‌اند.

استراتژی ترامپ برای مدیریت نفوذ اقتصادی چین تقریباً به تعرفه‌ها محدود بود. بازگشت ترامپ می‌تواند تلاش‌های رئیس‌جمهور پیشین و تیم‌اش را برای جداسازی کامل ۲ اقتصاد قدرتمند جهانی در پی داشته باشد.

بایدن به‌دنبال ریسک‌زدایی از روابط اقتصادی آمریکا با چین است، نه جداسازی آن. دولت بایدن هم این اقدام را از طریق استراتژی انجام می‌دهد که ترکیبی است از کنترل بر صادرات فناوری‌های حساس، محدودیت بر سرمایه‌گذاری و اعمال تعرفه‌ها. طراحی ابزارهای